مساله بیکاری و راه‌حل‌های آن

**اهمیت راهکارهای علمی ‌آزموده‌شده در مدیریت اجرایی**

نویسنده: صادق قادری کنگاوری

دانشجوی دکترای مدیریت استراتژیک

امروزه مساله بیکاری و به دنبال آن چگونگی ایجاد اشتغال، به‌عنوان یکی از مسائل مهم اجتماعی – اقتصادی، گریبانگیر بسیاری از کشورها و دولت‌ها است. این مساله مانند بسیاری دیگر از مسائل کلان کشور، ابعادی چندوجهی و اثر سیستمی قابل‌توجهی دارد؛ از این‌رو ارائه راهکارهای علمی آزموده شده برای مهار بیکاری اهمیت فراوانی دارد. در این نوشتار قصد داریم مهم‌ترین راهبردهای مقابله با بیکاری را بیان کنیم. این راهبردها در کشورهای مختلف ازجمله ایالات‌متحده آمریکا به صورت دقیق تدوین و جاری‌سازی شده و نتایج مطلوبی در پی داشته است.

اهمیت راهکارهای علمی ‌آزموده‌شده در مدیریت اجرایی

۱. تنظیم نرخ بهره بانکی متناسب با شرایط اقتصادی کشور:‌کاهش نرخ سود سپرده‌های بانکی و به تبع آن کاهش نرخ تسهیلات پرداختی به کارآفرینان و سرمایه‌گذاران با هدف کاهش هزینه‌های استقراض و تامین مالی بخش خصوصی صورت می‌پذیرد و انتظار می‌رود این امر منجر به رشد اقتصادی شود. اعطای تسهیلات هدفمند برای تقویت صنایع جذاب کشور و نظارت دقیق بر فرآیند مصرف آن از اقدامات مهم پسا تسهیلاتی است که متأسفانه نظام بانکی ما در این بخش ضعیف عمل می‌کند و در این‌خصوص نیازمند تقویت بخش نظارتی در بانک‌ها هستیم. در صورتی که وام‌ها و تسهیلات پرداختی شبکه بانکی کشور به مسیری درست هدایت شود علاوه‌بر کاهش هزینه‌های تامین منابع مالی، زمینه‌ساز افزایش سودآوری بخش خصوصی را فراهم آورده و در یک چرخه رشد و سرمایه‌گذاری مجدد، انتظار می‌رود در بلندمدت کاهش بیکاری را در پی داشته باشد. در کشورهای توسعه‌یافته، بخش عظیمی از تسهیلات بانکی به‌منظور تامین مسکن و کارت‌های اعتباری خُرد پرداخت می‌شود و اساسا شیوه تامین مالی شرکت‌ها از طریق بانک، صرفه اقتصادی نداشته و کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما از آنجا که در حال‌حاضر حدود ۷۰ درصد تامین مالی کشور از طریق سیستم بانکی صورت می‌پذیرد، اصلاح فرآیندها به‌منظور ایجاد اشتغال ضروری است.

۲. معافیت‌های مالیاتی کارفرمایی: به‌منظور تحریک کارفرمایان برای افزایش و ایجاد اشتغال‌زایی، معافیت‌های مالیاتی ابزاری کارآمد در دست دولت و مجلس است. دولت‌ها می‌توانند بر اساس دو شاخص مدت زمان و درصد معافیت مالیاتی، انواع مختلفی از طرح‌ها را تدوین و اجرا کنند. در این راهبرد کسب وکارهایی که در راستای دستیابی به اهداف چشم‌اندازی کشور در حال فعالیت هستند، می‌توانند تحت‌پوشش این طرح قرار گیرند. راه‌اندازی کسب‌وکارهای جدید در مناطق محروم نیز ازجمله مهم‌ترین اهداف این‌گونه طرح‌هاست که در کشور خودمان نیز این راهبرد در حال اجرا است.

۳. تهیه داده‌های اقتصاد محلی و به‌کارگیری علم بازاریابی: تهیه اطلاعات قابل اتکا و دقیق از وضعیت موجود و پتانسیل‌های فضای کسب‌وکار استان‌ها و ارائه علمی آن به فعالان عرصه اقتصادی به همراه غلبه بر چالش‌های احتمالی پیش‌رو، با اعطای مجوزها و تنظیم قوانین مناسب از سوی دولت می‌تواند با افزایش جذابیت چشم‌انداز کسب‌وکار منجر به اشتغالزایی بیشتر شود. اطلاعات روزآمد و به‌کارگیری دانش بازاریابی برای تحریک شرکت‌های بزرگ و کوچک برای توسعه سرمایه‌گذاری در استان‌ها بسیار مفید خواهد بود. در این راهبرد، دولت می‌تواند با اعطای مجوز، تهیه دستورالعمل و بسترسازی مناسب، نقش حمایتی خود را برای رونق کسب‌وکار نشان دهد.

استان‌ها باید بتوانند با بهره‌گیری از فعالیت‌های علمی بازاریابی برای استان خود جایگاه مناسبی تعریف کرده و فعالان و سرمایه‌گذاران را به سمت خود بکشانند. بازاریابی از طریق متمرکز شدن بر مزیت‌های رقابتی هر منطقه می‌تواند نقشی کلیدی در مقابله با بیکاری داشته باشد. فعالیت‌های اصلی بازاریابی محلی می‌تواند شامل فراهم‌آوری فعالیت‌های ترفیعی-تشویقی، ایجاد و راه‌اندازی وب‌سایت‌های چندزبانه و تبلیغات باشد.

۴. حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و استارت‌آپ‌ها: در آمریکا، بحث‌های علمی فراوانی در مورد این موضوع که آیا کسب‌وکارهار کوچک نسبت به کسب‌وکارهای بزرگ مشاغل بیشتری ایجاد می‌کنند یا خیر صورت پذیرفته است. در این زمینه می‌توان به تحقیقات دیوید برچ(David Birch) و نیومارک(Neumark) و همکاران اشاره کرد. دیوید برچ استدلال می‌کند که سهم شرکت‌های کوچک در ایجاد اشتغال بسیار نامتناسب با نام آنهاست. یافته‌های نیومارک و همکاران در سال ۲۰۱۱ با تکیه بر اطلاعات روزانه موسسه ملی سری‌های زمانی(National Establishment Time Series) طی سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۴ با بررسی میزان خالص اشتغال ایجادشده نشان دادند که حدود ۲/ ۱۵ درصد از خالص اشتغال مربوط به شرکت‌هایی با کمتر از ۲۰ پرسنل بوده است که خود بیشترین سهم در میان سایر طبقه‌های کسب‌وکار از صفر تا ۵۰ هزار پرسنل بوده است. براساس یافته‌های نیومارک، رشد اقتصادی و ایجاد کسب‌وکارهای نوپا در بستر اینترنت دو عامل بسیار مهم ایجاد اشتغالزایی شرکت‌های کوچک بوده است. اتخاذ راهبرد مناسب برای تقویت کسب‌وکارهای کوچک و نوپا به‌منظور کاهش بیکاری، در کشور ایران نیز بسیار حائز اهمیت است. در ادامه برخی از این راهبردها بیان شده است.

۴-۱. توسعه کسب‌وکارهای روستایی: در برخی جوامع روستایی، رشد کسب‌وکارهای کوچک با مشکلات جدی روبه‌رو است. نبود شبکه ارتباطی کافی، عدم دسترسی به سرمایه و اطلاعات، حجم ناچیز بازارها و عدم دستیابی به صرفه‌جویی ناشی از مقیاس، از مهم‌ترین این موانع و مشکلات هستند.

واحد توسعه کسب‌وکارهای روستایی و کشاورزی در ایالات‌متحده آمریکا، با هدف تامین مالی کسب‌وکارهای کوچک از طرق مختلف، لوازم و ابزارهای مدرن صنعت کشاورزی را در اختیار متقاضیان قرار می‌دهد. این طرح برای روستاهایی با کمتر از ۵۰ هزار نفر و دور از مناطق شهری در نظر گرفته شده است. در ایران با توجه به دو عامل اساسی کمبود آب کشاورزی و نگاه غیرتخصصی به بخش کشاورزی، تقویت ابزارهای مدرن برای عملیات کارآمد کشاورزی و صرفه‌جویی در مصرف آب و آموزش و تامین مالی کشاورزان برای در دست‌گیری زنجیره کامل صنعت کشاورزی به‌خصوص سیستم انبارداری و توزیع محصولات ازجمله مهم‌ترین اقدامات عملیاتی در راستای تحقق راهبرد مذکور است.

۴-۲. دستورالعمل‌های خرید دولتی: همواره هر دولتی در سطوح مختلف ملی و منطقه‌ای سیاست‌های خرید ویژه‌ای برای خود دارد. به‌منظور افزایش اشتغال‌زایی و حمایت از کسب‌وکارهای کوچک، می‌توان درصد معینی از محصولات و خدمات دولت را از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط تهیه کرد. برای مثال بنا به الزام قانونی، در سال ۲۰۱۱ در سطح ملی در ایالات متحده، ۲۳ درصد از قراردادهای خرید دلاری از کسب‌وکارهای کوچک صورت می‌پذیرد.

۴-۳. بهره‌گیری از مراکز رشد و شتاب‌دهنده‌ها: مراکز رشد کسب‌وکار (Business incubators) مشاوره، شبکه‌سازی، آموزش و خدمات فنی را به مشاغل کوچک و کارآفرینان ارائه می‌کنند که به‌صورت غیرمستقیم منجر به اشتغال‌زایی خواهد شد. این مراکز غالبا توسط نهادهای دانشگاهی و دولتی تامین مالی می‌شوند و حیطه وسیعی از دغدغه موجود را زیر چتر حمایتی خود قرار می‌دهند. در واقع این مراکز رشد، ارتباط بین دانشگاه‌ها و صنعت را تسهیل می‌کنند. تعداد مراکز رشد در ایالات متحده از ۱۲ واحد در سال ۱۹۸۲ به ۱۱۱۵ واحد در سال ۲۰۰۶ رسیده است. در سال ۲۰۰۵ مراکز رشد شمال آمریکا بیش از ۱۰۰ هزار شغل تمام وقت به وجود آورده‌اند. با استقرار این مراکز در مناطق کم درآمد، می‌توان پوشش و حمایتی مناسب برای آنان در نظر گرفت. دولت‌ها می‌توانند با روش‌های مختلف از جمله کاهش یا حذف مالیات، تامین مالی و پرداخت یارانه این مراکز را حمایت کنند. با تقویت فضای شتاب‌دهنده‌ها و مراکز رشد از طریق ارائه خدمات مشترک تجاری (کارهای اداری – خدماتی، امنیت و...)، استفاده از تجهیزات (کامپیوتر، تلفن، دستگاه فکس و...) و سایر امکانات (اتاق ناهار، اتاق جلسات و...) علاوه‌بر کاهش هزینه‌های این مراکز، شبکه‌های اطلاعاتی و تبادل ایده میان کارآفرینان تسهیل شده و همین امر منجر به افزایش اشتغالزایی پایدار خواهد شد.

براساس گزارش‌های انجمن مرکز رشد کسب‌وکارهای ملی آمریکا در سال ۲۰۱۱ حدود ۸۰ درصد از کسب‌وکارهای حمایت شده و تحت‌سرپرستی آنان توانسته‌اند مراحل بحرانی را طی کرده و هنوز پابرجا بمانند. این بدان معناست که این انجمن توانسته است نرخ شکست کسب‌وکارهای نوپا را کاهش دهد و موجبات حفظ اشتغال را فراهم آورد.

۴-۴. راهبرد حمایت از مشاغل سبز: امروزه تقویت و توسعه سرمایه‌گذاری روی اقتصاد و انرژی پاک (سبز) با اهداف متفاوتی از جمله ایجاد اشتغال مورد توجه جدی سیاست‌گذاران قرار گرفته است. کنفرانس شهرداران ایالات متحده (United States Conference of Mayors) ادعا دارد این راهبرد ملی طی ۳۰ سال آینده بیش از ۱۰ درصد نرخ رشد اشتغال را فراهم خواهد آورد. براساس تخمین مرکز مطالعاتی پیشرفت آمریکا(The Center for American Progress) سرمایه‌گذاری روی مشاغل سبز همچون انرژی‌های تجدیدپذیر، هوشمندسازی ساختمان‌ها، توسعه سیستم‌های هوشمند حمل‌ونقل عمومی، استفاده از سوخت ترکیبی در خودرو و ساخت سیستم‌های هوشمند شبکه، سالی یک میلیون شغل ایجاد خواهد کرد.

تحقیقات علمی نشان می‌دهد مشاغل مرتبط با اقتصاد و انرژی پاک طی ۱۰ سال اخیر به‌صورت میانگین یک درصد رشد داشته است و این در حالی است که اشتغال کل به صورت متوسط ۴/ ۰ درصد افزایش را نشان داده است. صرف‌نظر از تفاوت دیدگاه‌ها در خصوص آمار و ارقام مرتبط با اشتغال‌زایی مشاغل سبز، توافق عمومی مبنی بر افزایش نرخ رشد این‌گونه مشاغل وجود دارد و کشورهای مختلف اغلب برای دستیابی به دو هدف بنیادین ایجاد اشتغال و پایداری محیطی، از این راهبردهای کلیدی استفاده کرده‌اند:

اتخاذ سیاست‌هایی برای تحریک تقاضای استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر و کالاها و خدماتی با مصرف بهینه؛ بخش‌های مختلف دولت می‌توانند با تعیین استانداردهای سیاست سبز، اولویت قراردادهای عمومی را همراستا با حمایت از سیاست‌ها در دستور کار قرار دهند. تحقیقات نشان داده است اتخاد سیاست‌هایی این‌چنینی موجب اشتغال‌زایی خواهد شد.

۴-۵. استخدام‌های محلی و هدفمند: استخدام محلی و هدفمند، سیاستی است که در آن کارفرمایان را متعهد می‌کند تا درصد مشخصی از نیروی کار خود را از یک مجموعه خاص از متقاضیان استخدام کنند. جامعه هدف این راهبرد افراد ساکن در یک محله خاص است. سیاست‌های استخدام و اولویت‌های محلی می‌تواند در خصوص مشاغل موقتی و دائمی به‌کارگرفته شود.بی شک اجرای این راهبردها در کشورمان نیازمند مطالعات علمی دقیق‌تر و البته صرف بودجه و زمان است. هر کشوری نقاط قوت و ضعف و البته فرصت‌ها و چالش‌های مختص به خود را دارد و نمی‌توان راهبردی واحد برای تمامی کشورها و استان‌ها مختلف تدوین کرد، با علم به این موضوع، در اینجا تلاش کرده‌ایم تا با معرفی راهبردهایی که قابلیت پیاده‌سازی در ایران را دارند، اندکی دستگاه‌های اجرایی را یاری کرده و بر دانش علمی این حوزه بیفزاییم.